

جرم انگاری رها کردن طفل توسط والدین در حقوق ایران

اطهر درویشی^۱

دکتری حقوق بین الملل و ناظر و بازیمن شبکه ماهواره ای و بین المللی الثقلمن، تهران، ایران

چکیده. خانواده، نقش مهمی در سلامت جامعه دارد و کودکان برای پیشبرد کامل شخصیت خود باید تحت مراقبت والدین بزرگ شوند، از این مهم اصل حفظ ارتباط و تماس کودک با خانواده استنباط می شود، اما عمل به این اصل همواره مفید نبوده و در زمانی که والدین کودکان خود را در مکان هایی خالی از سکنه رها می کنند، مصلحت ایجاب می نماید که رفتار مذکور از طریق تصویب قوانین به صورت مستقل جرم انگاری گردد و نتیجه آن با لحاظ منافع عالی حسب مورد مجازات های مخففه و در موارد حاد، مجازات های شدیدتر و سلب حق نگهداری از والدین خواهد بود. در مقاله حاضر به گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه ای و با توجه به کیفی بودن پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی ضمن تبیین مفاهیم اساسی و همچنین حقوق و تکالیف والدین اعم از حضانت و ولایت و بررسی ماهیت آن ها براساس دیدگاه های حقوق دانان و فقها به جرم انگاری این رفتار و مشکلاتی که کودکان را در بر می گیرد و واکاوی دلایلی که والدین اقدام به این رفتار می نمایند و همچنین به تدوین راه کارهایی برای کاهش این معضل پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: جرم انگاری، رها کردن، طفل، والدین، حضانت، ولایت

¹ نویسنده مسئول: athar.darvishe7531@yahoo.com

Criminalization of Child Abandonment by Parents under Iranian Law

Atehar Darvishi¹

1 PhD in International Law; Supervisor and Reviewer at Al-Thaqalayn International Satellite Network, Tehran, Iran

Abstract

The family plays a fundamental role in ensuring social well-being, and children—whose full personal development relies on proper parental care—are expected to grow within the protective framework of the family. From this foundation arises the principle of preserving the child's continuous connection with his or her family. Yet adherence to this principle is not always beneficial; when parents abandon their children in uninhabited or unsafe places, the best interest of the child requires that such conduct be independently criminalized. The legal consequences must vary according to the severity of the situation, ranging from mitigated penalties in less harmful cases to harsher punishments and even deprivation of custody in severe instances.

This article employs a library-based method and, given the qualitative nature of the research, adopts a descriptive-analytical approach. It explains core concepts related to parental rights and responsibilities—including custody (*ḥaḍānah*) and guardianship (*wilāyah*)—and examines their legal nature from the perspective of jurists and Islamic scholars. The study further explores the rationale behind criminalizing child abandonment, the harms suffered by children, the underlying motives driving parents to engage in such behavior, and proposes practical strategies for reducing the occurrence of this troubling phenomenon.

Keywords: criminalization, abandonment, child, parents, custody, guardianship.

مقدمه

جرم شناسی در گذشته، عمدتاً بر مجرم تمرکز داشت، اما در طول دهه‌های اخیر، در چارچوب نظریه‌ی تعامل روان شناسی - اجتماعی، توجه‌ها و علایق بر بزه دیده معطوف گردید. «در مقام علت شناسی جرم، علاوه بر بزه‌کار، به علل و عوامل شخصی، محیطی و وضعی بزه دیده هم به عنوان عامل موثر در وقوع جرم توجه گردید و رشته‌ای به نام بزه دیده شناسی علمی یا اولیه یا جرم شناسانه پدید آمد که به مطالعه‌ی خصوصیات شخصیتی بزه دیده، پیشینه خانوادگی، شغلی و اجتماعی او و برآیند میزان و سهم او در تکوین جرم می‌پرداخت» (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۸: ۱۴۸-۱۵۰). یک دسته مهم بزه‌دیدگان کودکانی هستند که به لحاظ شرایط جسمی و روحی، موقعیت آسیب پذیری بالقوه‌ای دارند که هر لحظه تشدید صدمات و بزه دیدگی مجدد وی در صورت عدم توجه به نیازهای وی محتمل است. بسیاری از جرایم علیه کودکان توسط اعضای خانواده و سرپرست قانونی که باید حامی کودکان باشند صورت می‌پذیرد که علاوه بر پیامد کوتاه مدت تحمل بزه و صدمات جسمی، عواقب بلند مدت آن و صدمات روانی همواره گریبان گیر کودک می‌باشد.

عمده ترین دلیلی که در رها کردن طفل وجود دارد این است که فرزند حاصل رابطه نامشروع و زنا باشد و جهت امحای هویت طفل دست به چنین اقدامی زده شود. هم چنین عوامل دیگری نیز وجود دارد که والدین حاضر به رها کردن طفل خود می شوند، از جمله شرایط اقتصادی نامساعد و عدم تمکن مالی، اعتیاد یکی از والدین یا هردوی آنها، بالا بودن تعداد فرزندان خانواده، فوت یکی از والدین، همسر دوم بودن مادر طفل، ناخواسته بودن طفل و مواردی از این قبیل که از عوامل معمول رهاسازی فرزندان می باشند.

مقاله پیش رو به روش توصیفی - تحلیلی و از طریق جمع آوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای با هدف کاهش ارتکاب جرم رها کردن طفل نیازمند حمایت خانوادگی و در نتیجه کاهش آثار مخرب جسمی و روحی از لحاظ فردی و اجتماعی برای افراد بزه دیده این جرم یعنی کودکان به عنوان یکی از اقشار آسیب پذیر جامعه بر آن است تا به بررسی سوال های مطروحه ذیل بپردازد:

۱. وضعیت جرم انگاری رها کردن طفل توسط والدین در قانون چگونه است و چه ضمانت اجرایی برای این رفتار قرار داده شده است؟ ۲. مقنن چه جنبه های حمایتی برای اطفال و کودکان در زمینه مدنی و کیفری در نظر گرفته است؟ ۳. امکان اسقاط حقوق والدین اعم از حضانت و ولایت در صورت اقتضای مصلحت کودکان به چه نحو است؟

مبانی نظری پژوهش

شناخت گسترده مفاهیم الفاظی که در یک پژوهش به کار می رود، موجب تاثیر و در نتیجه تفاوت در نتیجه گیری خواهد شد و این مطلب ضرورت شناخت برخی مفاهیم بنیادین را که تحقیق بر آن استوار است، ایجاب می کند. از همین رو؛ در این بخش به تبیین مفاهیم مورد استفاده در موضوع مورد بحث پرداخته می شود.

جرم انگاری: جرم انگاری فرایندی است که به موجب آن قانون گذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزش های اساسی جامعه و با تکیه بر مبانی نظری مورد قبول خود، فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری وضع می کند. همین اساس قانون گذار در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی در تعریف جرم بیان می دارد جرم عبارت است از: « هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است ».

رها کردن: رها کردن به معنای آزاد کردن، خلاص کردن، نجات دادن، وا کردن، ترک کردن می باشد (عمید، ۱۳۸۸: ۵۲۵).

طفل: طفل در لغت به معنای بچه و خردسال می باشد (عمید، ۱۳۸۸: ۶۶۵). اما در اصطلاح شرعی به معنای کسی است که به سن بلوغ شرعی نرسیده باشد.

والدین: در زبان عربی، آب به معنای پدر، ام به معنای مادر و به هر دوی آنها با هم والدین یا والدان گفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ه. ق: ۸۸۳).

حضانة: از لحاظ لغوی در لسان ابن منظور (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۱۵۰)، کلمه «حضانة» از «حِضَن» به معنی زیر بغل تا پهلوی گرفته شده است، زیرا دو حِضَن هر چیزی، دو پهلوی آن است و عرب می‌گوید: «حِضَن الطَّائِرِ بِيضَه» (یعنی: پرندۀ خود را زیربال گرفت).

حضانة از بچه نیز به معنی پروردن او می‌باشد (الازهری، ۱۴۰۱: ۲۰۷). حضانة زن از بچه نیز بدین منزلت است که گویی زن بچه را زیربال می‌گیرد. از لحاظ اصطلاحی نیز در قانون مدنی، تعریف حضانة بیان نشده است، اما بعضی از فقها و حقوقدانان آن را این گونه دانسته اند:

«حضانة» شرعاً نوعی ولایت بر طفل و مجنون می‌باشد، از جهت تربیت و آنچه متعلق به مصلحت وی است از محافظت و در گهواره گذاردن و برداشتن از گهواره و سرمه کشیدن و روغن مالیدن و پاکیزه نمودن و شستن جامه‌های او و مانند این‌ها (نجفی ۱۳۷۰: ۲۷۲).

ماهیت حضانة از منظر فقه و حقوق ایران

از لحاظ لغوی در لسان ابن منظور (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۱۵۰)، کلمه «حضانة» از «حِضَن» به معنی زیر بغل تا پهلوی گرفته شده است، زیرا دو حِضَن هر چیزی، دو پهلوی آن است و عرب می‌گوید: «حِضَن الطَّائِرِ بِيضَه» (یعنی: پرندۀ تخم خود را زیربال گرفت).

حضانة از بچه نیز به معنی پروردن او می‌باشد (الازهری، ۱۴۰۱: ۲۰۷). حضانة زن از بچه نیز بدین منزلت است که گویی زن بچه را زیربال می‌گیرد.

از لحاظ اصطلاحی نیز در قانون مدنی، تعریف حضانة بیان نشده است، اما بعضی از فقها و حقوقدانان آن را این گونه دانسته اند:

«حضانة» شرعاً نوعی ولایت بر طفل و مجنون می‌باشد، از جهت تربیت و آنچه متعلق به مصلحت وی است از محافظت و در گهواره گذاردن و برداشتن از گهواره و سرمه کشیدن و روغن مالیدن و پاکیزه نمودن و شستن جامه‌های او و مانند این‌ها (نجفی ۱۳۷۰: ۲۷۲).

بعضی از حقوقدانان، حضانت را اینگونه تعریف کرده اند: « نگاهداشتن طفل، مواظبت و مراقبت او و تنظیم روابط او با خارج است، با رعایت ملاقات که برای خویشان نزدیک طفل شناخته شده است » (صفایی ۱۳۸۹: ۳۴۴)، بعضی دیگر از حقوقدانان نیز حضانت را نگهداری مادی و معنوی طفل توسط کسانی که قانون مقرر داشته طبق شرایط معین، تعبیر نموده اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷: ۶۱۶).

بعضی از فقهای امامیه، در تعریف حضانت گفته اند: « حضانت، عبارت است از ولایت بر کودک یا دیوانه برای تربیت کردن وی و حفظ و نگهداری و سرپرستی از او » (مکی عاملی، ۱۳۸۰: ۹۳).

در حقوق انگلیس، مسئولیت حضانت و سرپرستی هر کدام از والدین نسبت به اولادشان، شامل تمامی حقوق، وظایف، قدرت‌ها، مسئولیت‌ها و اختیاراتی است که از جانب قانون و در رابطه با نگهداری از کودک و دارایی‌های وی دارد (Burton, ۲۰۱۰, ۱۲۳).

مسئولیت حضانت و سرپرستی در حقوق انگلستان، شامل نگهداری جسمی و روحی و نیز مدیریت امور مالی و حقوق وی هم می‌شود (Geffney, ۲۰۱۲, ۱۰۰). چیزی که می‌توان بیان کرد، وسیع تر از حقوق ایران می‌باشد و به نوعی با حق ولایت و قیمومت طفل درهم آمیخته است.

زمانی که در مورد ماهیت حضانت، بحث می‌شود، باید این واقعیت مشخص گردد که آیا حضانت حق است یا تکلیف؟

بدیهی است، حق بودن یا تکلیف بودن حضانت، آثاری دارد، اگر حضانت حق باشد، پس چون امتیاز محسوب می‌شود و برای نفع شخص صاحب امتیاز وضع شده، لذا قابل اسقاط و قابل انتقال است، ولی اگر تکلیف به حساب آید، چون نفع شخص مکلف له و مصلحت اجتماعی در آن نهفته است، لذا توسط مکلف قابل اسقاط و انتقال نیست و در ازای انجام تکلیف مقرر قانونی هم حق دریافت اجرت ندارد.

ماهیت حضانت از دیدگاه فقهای امامیه

در این که حضانت، حق محض است یا اینکه حقی می‌باشد که با تکلیف همراه است، فقهای امامیه اختلاف نظر دارند و دو نظر در این خصوص ارائه شده است، « شهید ثانی » بر این عقیده است که حضانت یک حق فردی محض و ساده است، از این رو، قابل اسقاط و انتقال می‌باشد (شهید ثانی: ۱۴۱۵، ۱۷۰).

صاحب شرایع معتقد است که حضانت هم حق و هم تکلیف است. بنابراین، دارنده حضانت نمی تواند آن را اسقاط کند یا انتقال دهد، یا در عوض طلاق خلع قرار دهد و مادری که عهده دار حضانت است، چون تکلیف خود را انجام می دهد، نمی تواند در ازای آن اجرت مطالبه کند (یزدی، ۱۳۷۵: ۷۱۴).

ماهیت حضانت در حقوق انگلیس

به موجب بند دوم از قسمت اول قانون کودکان مصوب ۱۹۸۹، پدر و مادر کودک از زمان تولد نسبت به کودک مسئولیت پدر و مادری دارند، اگر ازدواج کرده باشند و در نتیجه کودک آن ها مشروع باشد در غیر این صورت، فقط مادر مسئولیت دارد.

با توجه به قانون حمایت از کودکان مصوب ۱۹۹۵ و قانون مراقبت از کودک مصوب ۲۰۰۶، پدر و مادر در قبال نگهداری و حضانت از کودکان مسئولیت دارند و در صورتی که رفتار آن ها با کودک برخلاف عرف و اخلاق باشد، دادگاه دخالت می نماید و ممکن است حضانت کودک را به شخص یا اشخاص دیگری محول نماید (children and Adoption Act, ۲۰۰۶).

بنابراین، با توجه به قوانین مذکور در حقوق انگلستان، می توان گفت که حضانت کودک برای پدر و مادر یک تکلیف و مسئولیت قانونی است و حق و یا امتیاز نمی باشد که قابل انتقال یا اسقاط باشد و در هر مورد که نیاز به تغییر سرپرست کودک باشد دادگاه مستقیماً دخالت می نماید و در خصوص حضانت کودک، رفاه و منفعت وی بیشترین اهمیت را دارد.

ماهیت حضانت در حقوق ایران

ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی، مقرر می دارد: «نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوین است». ماده مذکور نظریه ای را که حضانت را حق فردی محض و ساده تلقی می نماید و در نتیجه قابل اسقاط و انتقال باشد را رد می نماید و حضانت را آمیزه ای از حق و تکلیف می پندارد لذا دارنده حضانت نمی تواند آن را اسقاط و یا منتقل کند، یا عوض طلاق خلع قرار دهد. ولی از لحاظ عملی می توان گفت که در پرونده های مختلفی در دادگاه های خانواده، زوجیه با بذل مهریه در قبال حضانت همیشگی فرزند طلاق می گیرد و دادگاه ها نیز با پذیرش خواسته زوجین گواهی عدم

امکان سازش صادر می‌کند و ماده ۴۱ قانون جدید حمایت از خانواده^۲ اشاره به توافقات طرفین در امور حضانت این رویه را تأیید می‌کند.

مقنن در تأیید موارد مذکور، در ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی مقرر می‌دارد که: «هیچ یک از ابوین حق ندارند، در مدتی که حضانت طفل به عهده آن‌هاست، از نگهداری او امتناع کنند. در صورت امتناع یکی از ابوین، حاکم باید به تقاضای دیگری یا به تقاضای قیم یا یکی از اقربا و یا به تقاضای مدعی العموم نگهداری طفل را به هریک از ابوین که حضانت به عهده اوست الزام کند. در صورتی که الزام ممکن یا مؤثر نباشد، حضانت به خرج پدر و هرگاه پدر فوت شده باشد به خرج مادر تأمین کند».

ماهیت ولایت از منظر فقه و حقوق

ولایت (به فتح و کسر واو) در لغت به معنی دوستی، نصرت و فرمانروایی است و به دو چیز که در کنار هم قرار گیرند به طوری که بین آن‌ها فاصله نباشد نیز اطلاق می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ۵۴۷).

در اصطلاح امارت و سلطنت، یاری و نصرت، دوستداری و قرابت است.

در اصطلاح حقوق مدنی، ولایت، قدرت و اختیاری است که برابر قانون به یک شخص صلاحیت دار برای اداره امور محجور و اگذار شده است (صفایی، ۱۳۵۰، ۶۷).

این ولایت ممکن است به حکم مستقیم قانون (ولایت قهری) یا به موجب وصایت به شخصی داده شده و یا به حکم دادگاه برقرار شده باشد؛ بنابراین آنچه مدنظر می‌باشد شخصی است که به حکم قانون تعیین می‌شود و سمت خود را مستقیماً از قانون می‌گیرد و شاید بتوان آن را وظیفه ای خانوادگی و اجتماعی دانست به این دلیل آن را قهری نامیده اند. در واقع ولایت قهری، در نهاد حقوقی، تاسیسی حمایتی است که برای سرپرستی و حفظ محجوران به ویژه صغار و اداره امور آنان وضع شده است.

هرچند که هیچ یک از انسان‌ها بر یک دیگر ولایت ندارند، اما با توجه به این که یک سری از افراد جامعه قدرت حفظ و اداره امور مالی و غیر مالی خود را ندارند که از آن‌ها در اصطلاح قانون مدنی با عنوان محجور (صغیر،

^۲ ماده ۴۱ قانون جدید حمایت از خانواده: «هرگاه دادگاه تشخیص دهد توافقات راجع به ملاقات، حضانت، نگهداری و سایر امور مربوط به طفل برخلاف مصلحت او است یا در صورتی که مسئول حضانت از انجام تکالیف مقرر خودداری کند و یا مانع ملاقات طفل تحت حضانت با اشخاص ذی حق شود، می‌تواند در خصوص اموری از قبیل واگذاری امر حضانت به دیگری یا تعیین شخص ناظر با پیش بینی حدود نظارت وی با رعایت مصلحت طفل تصمیم مقتضی اتخاذ کند».

مجنون، سفیه) یاد می‌شود. با این وجود شارع مقدس برای آن‌ها نهاد «ولایت قهری» قرار داده است تا ولی قهری تدابیری که متناسب با اوضاع و احوال آن‌ها است برای اداره امور مالی و غیر مالی آن‌ها انجام دهند.

بنابراین، با توجه به مواد ۱۱۸۲ تا ۱۱۸۷ قانون مدنی و همچنین ماده ۸۰ قانون امور حسبی؛ فلسفه ولایت قهری رعایت مصلحت و غبطه مولی علیه است که مورد تصریح واقع شده است.

در قانون مدنی مواد ۱۱۸۰ تا ۱۱۹۴ به ولایت قهری پدر و جدپدری اختصاص یافته است.

فقه‌های امامیه در مورد ولایت پدر و جدپدری نسبت به طفل و مجنونی که جنون او متصل به زمان کودکی است، اجماع دارند که مستند آن روایات و اخبار وارد است، اما در مورد سفیهی که عدم رشد او متصل به زمان کودکی باشد، محل اختلاف است؛ برخی ولایت را مختص به حاکم می‌دانند و برخی با استناد به پاره‌ای از روایات و اخبار و استصحاب، قائل به شمول آن برای پدر و جدپدری شده‌اند.

بنابراین قانون مدنی به پیروی از قول مشهور فقهای امامیه سمت ولایت قهری را به پدر و جدپدری اختصاص داده و برای مادر هیچ گونه ولایتی شناخته است، هرچند که اجازه داده است مادر به عنوان وصی یا قیم برای اداره امور محجور تعیین شود.

قانون گذار در ماده ۱۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ بیان می‌دارد: «طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر خود می‌باشد در صورت ثبوت حجر یا خیانت یا عدم لیاقت او در اداره امور صغیر یا فوت پدر به تقاضای دادستان و تصویب دادگاه شهرستان، حق ولایت به هریک از جدپدری یا مادر تعلق می‌گیرد مگر این که عدم صلاحیت آنان احراز شود که در این صورت حسب مقررات اقدام به نصب قیم یا ضم امین خواهد شد...».

با توجه به ماده فوق امر ولایت به مادر هم تعلق گرفته است که این مسئله طبق دیدگاه فقها و برخی از علمای حقوق مورد مخالفت و انکار قرار گرفته است.

پس از تبیین مفاهیم مرتبط با موضوع پژوهش، به واکاوی جنبه‌های قانونی جرم انگاری رفتار رها کردن طفل توسط والدین پرداخته می‌شود.

جرم رها کردن طفل

برای این که یک جرم تحقق پیدا کند نیازمند سه عنصر اساسی می‌باشد که عبارت است از:

۱. عنصر قانونی
۲. عنصر مادی
۳. عنصر معنوی (روانی).

حال با توجه به عناصر تشکیل دهنده ی جرم به بررسی جرم رها کردن طفل و همچنین این که قانون گذار چه ضمانت اجرایی برای آن قرار داده است؟

بررسی سیر تاریخی جرم رها کردن طفل در قوانین کیفری در تبیین مسائل پیرامون جرم انگاری این رفتار جهت روشن شدن میزان اهمیت آن و آگاهی یافتن نسبت به جوانب مختلف دخیل در احقاق حقوق بزه دیده و بازدارندگی والدین از ارتکاب چنین رفتاری تاثیر به سزایی خواهد داشت.

قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴

جرم رها کردن طفل در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ دارای پیشینه است. مطابق ماده ۱۹۸ قانون مذکور: « هر کس شخصا یا به توسط دیگری طفل را که به سن هفت سال نرسیده است یا شخصی را که عاجز بوده و برای محافظت خود قادر نمی باشد در جایی که خالی از سکنه است رها کند، به حبس تادیبی از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد ». در این ماده به مرتکب جرم و این که چه نسبتی با طفل داشته و آیا مسئولیت حفاظت از طفل را بر عهده داشته است یا خیر، توجه ننموده بود. محل رها نمودن طفل نیز طبق ماده ی مذکور باید خالی از سکنه باشد. از سوی دیگر ارتکاب جرم رها کردن طفل در هر دو ماده ی قانونی ۶۳۳ و ۱۹۸ می تواند مباشرتا یا به تسبیب و با واسطه باشد. آنچه مهم است این است که جرم موضوع این ماده مطلق است و ورود ضرر به سلامت جسمی و روانی طفل برای تحقق آن ضروری نیست. اما در مورد همین مسئله ماده ۱۹۹ قانون مجازات عمومی، وقوع نتیجه را موجب تشدید مجازات به شرح ذیل دانسته بود: « در مورد ماده قبل هرگاه به طفل یا شخص عاجز صدمه و آسیبی وارد آید یا فوت شود، رهاکننده در صورت عامد بودن در اقدام خود به جزای فاعل آن صدمه مجازات خواهد شد ». یک نکته حائز اهمیت که در ماده ۱۹۹ قانون مجازات عمومی وجود دارد قید « عامد بودن » است. مطابق این قید، وقوع جرم موضوع ماده ی ۱۹۸ در اثر بی احتیاطی و سهل انگاری نیز ممکن است و مقنن تفاوتی در مجازات مرتکب عامد و غیر عامد قائل نشده است که البته این نکته جای اشکال و ایراد می باشد. هم چنین در صورت تحقق نتیجه، مجازات مندرج در ماده ۱۹۹ (مجازات فاعل آن صدمه) به مجازات مندرج در ماده ی ۱۹۸ اضافه می گردید؛ در حالی که نحوه ی نگارش ماده ۱۹۹ خالی از ایراد نیست؛ زیرا چنان چه طفل در اثر افتادن بر روی سنگی مجروح شود، اعمال مجازات بر سنگ وارد کننده ی جراحت غیر ممکن است. هم چنین اگر کودک در اثر گرسنگی فوت کند، نمی توان برای فرد دیگری مجازات پیش بینی کرد. که در این جا ابهام به وجود می آید.

مطابق ماده ۲۰۰ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴: « هر کس شخصا یا به توسط دیگری طفلی را که به سن هفت سال نرسیده است یا شخصی که عاجز بوده و برای محافظت خود قادر نمی باشد در آبادی رها کند، به حبس تادیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد مشروط بر این که طفل یا شخص عاجز در تکفل فاعل بوده باشد ».

ماده ۲۰۱ همین قانون، وجود سمت ولایت مرتکب بر طفل را جهتی برای تشدید مجازات در سه ماده ی قبل برشمرده و چنین مقرر داشته بود: « در مورد سه ماده قبل اگر مرتکب پدر یا مادر یا کسان دیگری که سمت ولایت نسبت به طفل دارند، بوده باشند، به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد مگر این که ثابت شود این اقدام در اثر استیصال واقع شده باشد ». در این ماده مقنن به موضوعی توجه نکرده است و آن معنای « ولایت » می باشد و برای مادر نیز قائل به ولایت شده و توجهی به وظیفه ی حضانت نکرده است که این امر خود جای تامل بسیار دارد.

نکته مهمی که در قانون مجازات عمومی لحاظ شده بود، اما در قوانین پس از پیروزی انقلاب اسلامی مغفول مانده است، تشدید مجازات والدین و ولی طفل در ماده ۲۰۱ است. این تشدید مجازات از آن جهت که واگذاری طفل به دیگران معمولاً توسط کسانی که مسئولیت نگه داری و انفاق به طفل را بر عهده دارند، صورت می گیرد، مفید است.

قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات ۱۳۷۵

قانون گذار در ماده ۶۳۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ این رفتار را جرم انگاری کرده است که در حال حاضر همچنان دارای اعتبار می باشد و به عنوان مستند متقن حقوقی قابل تمسک است. در ماده ۶۳۳ قانون مجازات بیان می گردد: « هرگاه کسی شخصاً یا به دستور دیگری طفل یا شخصی را که قادر به محافظت خود نمی باشد در محلی که خالی از سکنه است رها نماید به حبس از شش ماه تا دو سال و یا جزای نقدی از سه میلیون تا دوازده میلیون ریال محکوم خواهد شد و اگر در آبادی و جایی که دارای سکنه باشد رها کند تا نصف مجازات مذکور محکوم خواهد شد و چنانچه این اقدام سبب وارد آمدن صدمه یا آسیب یا فوت شود رها کننده علاوه بر مجازات فوق حسب مورد به قصاص یا دیه یا ارش نیز محکوم خواهد شد ».

با توجه به ماده ی مذکور به بیان عناصر سازنده ی این جرم می پردازیم. جهت تحقق عنصر مادی این جرم، شخص باید اقدام به رفتار « رها کردن » بنماید یعنی فاعل باید فعل رها کردن را انجام دهد. بنابراین آنچه موجب تحقق جرم می شود رفتار فیزیکی از نوع فعل رها کردن طفل می باشد.

با توجه به ماده ی فوق برای تحقق عنصر معنوی این جرم، شخص باید سوء نیت عام داشته باشد یعنی عالماً و عامداً مرتکب جرم گردد و در واقع انگیزه و قصد قبلی برای این اقدام وجود داشته باشد.

جهت تبیین عنصر قانونی این جرم توجه به چند نکته در این ماده ضروری است. اولین نکته؛ عبارت «خالی از سکنه بودن» است. منظور از این عبارت، جایی است که امکان یافتن و پیدا کردن شخص وجود ندارد. در واقع یعنی کسی آن جا زندگی نمی کند. در مقابل لفظ خالی از سکنه، لفظ سکنه می باشد که عبارت است از جایی که افراد ساکن هستند و در آن جا عبور و مرور و تردد دارند که در این صورت دیگر جرم رها کردن طفل محسوب نمی شود و

جرم محقق نمی‌گردد. بنابراین در فرضی که شخصی فردی را در جایی که محل رفت و آمد می‌باشد مثلاً در یک فروشگاه رها می‌کند این جا خالی از سکنه نمی‌باشد و رفتارش مشمول مجازات صدر ماده نمی‌گردد و نصف مجازات مزبور را خواهد داشت.

نکته دوم؛ در ماده بیان شده: «هرگاه شخصاً یا توسط دیگری»، یعنی برای این که جرم محقق شود خود شخص می‌تواند بدون کمک گرفتن از شخص دیگری این رفتار را انجام دهد و یا آن که شخصی که قصد اقدام این عمل را دارد به دیگری دستور دهد که این رفتار را انجام دهد. یعنی مباشرتاً مرتکب جرم شود یا با واسطه، سبب ارتکاب جرم گردد.

نکته سوم؛ مطابق مفاد ماده مذکور باید آن شخص قادر به محافظت از خود نباشد که چنین اشخاصی شامل مجانین، افراد کهنسال و بزرگسالانی که فاقد قدرت لازم برای حفاظت خود می‌باشند؛ می‌گردد. به عنوان مثال دختری که به سن بلوغ نرسیده است چون قادر به مراقبت از خود نمی‌باشد مشمول این ماده قرار می‌گیرد.

بنابراین اگر با وجود شرایط فوق الذکر، شخصی فردی را رها نماید به حبس از شش ماه تا دو سال و یا جزای نقدی از سه میلیون تا دوازده میلیون ریال محکوم خواهد شد.

در قسمت دیگر این ماده قانون گذار بیان می‌دارد چنان چه اقدام شخص موجب صدمه و آسیب یا فوت شخص گردد، جنایت محسوب می‌شود اعم از این که این جنایت مادون نفس باشد یا جنایت بر نفس باشد و آن شخص در اثر این اتفاق بمیرد یا مثلاً نایب شود یا دست و پا و بدنش آسیب ببیند یا دچار شک و آسیب شدید و حتی آسیب روانی گردد به دیه یا قصاص و یا ارش محکوم می‌شود. در این جا منظور قانون گذار از لفظ صدمه، صدمه جسمی و جنایت است که موجب دیه یا قصاص یا ارش می‌گردد اما اگر شخص آسیب روحی ببیند شامل این موارد نمی‌شود. مثلاً در فرضی که شخص در اثر فشار روحی وارده، دچار اختلال روانی گردد؛ مصداق این جنایت قرار نمی‌گیرد.

بنابراین قانون گذار در ماده ۶۳۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ سه فرض را برای این جرم در نظر گرفته است و براساس آن‌ها ضمانت اجرای کیفری قرار داده است.

۱. فرض اول: اگر شخصی فردی را در مکانی خالی از سکنه رها کند مجازات سنگین تری برای آن وجود دارد.

۲. فرض دوم: اگر شخصی فردی را در مکانی که دارای سکنه می‌باشد و افراد در حال رفت و آمد می‌باشند رها کند، نصف مجازات برای آن در نظر گرفته می‌شود.

۳. فرض سوم: اگر شخصی فردی را در مکانی رها کند و به موجب آن، شخص فوت کند. حسب مورد مجازات شخص رها کننده قصاص یا دیه خواهد بود.

با توجه به مباحث مطروحه سوالی مطرح می شود مبنی بر این که در فرضی که والدین طفل خود را در محلی خالی از سکنه رها کنند آیا ضمانت اجرای مذکور در ماده ۶۳۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات شامل والدینی که فاعل این رفتار هستند؛ می گردد؟

در شرح این مسئله با توجه به ماده ۶۳۳ باید بیان کرد: اولاً منظور از طفل کسی است که به سن بلوغ شرعی نرسیده باشد با توجه به این تعریف، میان این مسئله که طفل نوزاد باشد یا دختر زیر ۹ سال تمام قمری یا پسر زیر ۱۵ سال تمام قمری تفاوتی قائل نشده است. مگر اینکه گفته شود براساس ادامه ماده مذکور پسری در سن نزدیک به بلوغ را قادر به محافظت از خود دانست که باز هم با توجه به طفل محسوب شدن وی جای بحث وجود دارد. ثانیاً تفکیک بین محل رها کردن (محل خالی از سکنه یا آبادی) تا حدی شائبه‌ی جرم انگاری این عمل به منظور حمایت از هویت طفل را کم رنگ می کند؛ زیرا چنانچه کودکی را که بر هویت خویش یا محل سکونت والدین خود آگاه نیست، در محل دارای سکنه هم رها نمایند، اگرچه احتمال ورود صدمه یا فوت تا حدی کاهش می یابد، اما می تواند منجر به محو شدن هویت طفل گردد. بنابراین امکان ارتکاب جرم موضوع ماده ۶۳۳ از سوی والدین وجود دارد و براساس این ماده می توان با توجه به عمل ارتكابی والدین ضمانت اجرایی برای آنها قرار داد.

در این مسئله یک نظریه مشورتی هم وجود دارد. در نظریه مشورتی بیان شده است؛ آیا رفتار والدینی که بعد از به دنیا آمدن نوزاد، وی را در بیمارستان رها و محل را ترک می کنند؛ مشمول ماده ۵۴ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱ می گردند؟ در صورت منفی بودن پاسخ، آیا رفتار ارتكابی واجد وصف کیفری است؟

پاسخ: تکلیف حضانت که مطابق ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی، متوجه ابوی است، از بدو تولد طفل محقق می شود. از این رو، رفتار مادری که پس از به دنیا آوردن نوزاد در بیمارستان، او را رها کرده و محل را ترک می کند، منطبق با عنوان مجرمانه موضوع ماده ۵۴ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱ (خودداری از انجام تکالیف حضانتی) است؛ همچنین با عنایت به اطلاق «هرگاه کسی» در صدر ماده ۶۳۳ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵، رفتار مادر مشمول قسمت دوم این ماده (رها کردن طفل در آبادی و جای دارای سکنه) نیز می شود و مجازات مادر باید با رعایت ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ (تعدد معنوی) تعیین شود.

با توجه به مطالب ذکر شده مبنی بر رها شدن طفل توسط والدین این نکته حائز اهمیت است که حتی اگر طفل حاصل یک رابطه نامشروع باشد؛ زانی و زانیه (زن و مرد زناکننده) نسبت به آن طفل تکالیفی دارند که باید به آنها عمل کنند اما رعایت این وظایف منوط به پذیرش جامعه و در صدر آن پذیرش خانواده های طرفین در رابطه با

چنین فرزندان می‌باشد و چه بسا از نظر پدر و مادر طبیعی طفل (زانی و زانیه) رها کردن او منجر به پنهان شدن این مسئله می‌گردد که کودک حاصل یک رابطه نامشروع است و در نتیجه با محو شدن هویت وی امکان فراهم شدن شرایط زندگی عادی برای کودک محقق شود.

نتیجه گیری

قانون مجازات اسلامی رفتار رها کردن طفل یا فرد عاجز را در محلی خالی از سکنه باشد در ماده ۶۳۳ بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ جرم انگاری نموده و برای آن ضمانت اجرا قرار داده است. البته لازم به ذکر است علاوه بر آن که در ماده مذکور به عمل رها کردن طفل توجه شده، به نتیجه این عمل نیز دقت شده است. به بیان بهتر اگر طفلی که توان مراقبت از خود را نداشته و به عبارتی عاجز است در محلی خالی از سکنه رها گردد، کیفر و مجازات شخص مجرم شدیدتر می‌شود و اگر طفل، آسیبی ببیند و یا فوت کند، شخص رها کننده حسب مورد به قصاص، دیه و یا پرداخت ارش محکوم می‌گردد. بنابراین باید بیان داشت که رها کردن کودکان و اطفال جزء جرایم ظالمانه و خشونت آمیز است چرا که پدر و مادری که اقدام به چنین رفتاری می‌کنند نه تنها به فرزندان خود آسیب‌های جسمی و روانی بسیاری وارد می‌کنند؛ بلکه قانون‌گذار به منظور حفظ اصل مصلحت و غبطه کودکان در مواردی والدین را از حقوق و تکالیف خود از جمله حضانت و ولایت سلب نموده و رفتار ارتكابی را خودداری از ایفای وظایف حضانتی دانسته و برای آن مجازات در نظر گرفته است.

بر اساس مطالب بیان شده و تحقیقات صورت گرفته پیشنهاد می‌شود:

۱- مسئله فرزند آوری والدینی که به واسطه اعتیاد یا فقر و مسائلی از این قبیل توانایی نگهداری و مراقبت از کودک را ندارند با استفاده از روش‌های جلوگیری و رعایت مسائل احتیاطی در روابط زناشویی تا حد زیادی توسط نهادهای مربوطه از جمله اماکن ترک اعتیاد مورد توجه قرار گرفته و با آگاه سازی افراد به عواقب سوء فرزند آوری در این شرایط و از طرفی فراهم کردن امکانات جلوگیری برای آن‌ها مانع از تولد فرزند شوند.

۲- از طریق رسانه و فرهنگ سازی این گزینه را پیش روی والدینی که فرزند خود را نمی‌خواهند یا توانایی نگهداری کودک را بنا به هر دلیلی ندارند، قرار داد که به جای رها کردن طفل بیچاره در محلی خالی از سکنه یا در کنار خیابان، او را به بهزیستی یا مراکز نگهداری کودکان بی سرپرست تحویل دهند و تحقق این مهم از طریق تعبیه مکان‌هایی (اتاقک‌های مناسب داخل دیوار با درب درپچه‌ای) توسط سازمان بهزیستی که مجهز به سیستم اطلاع رسانی مثل زنگ اعلام به مرکز است، بلافاصله پس از قرار گرفتن کودک در آن به سازمان مربوطه اطلاع رسانی گردد، امکان پذیر خواهد شد و برای والدین یا افرادی که به

هر دلیل قصد رها کردن کودکی را دارند؛ جهت رعایت غبطه و مصلحت کودک این امکان فراهم شود تا حد ممکن از ورود آسیب‌های احتمالی به وی جلوگیری گردد و البته خیال آن‌ها از بابت شناسایی و تحت پیگرد قانونی قرار گرفتن توسط پلیس یا مراجع ذیصلاح نیز آسوده باشد که هیچ دوربین و یا وسایلی که امکان شناسایی آنها وجود داشته باشد در محل تعبیه نشده است. چنین اقداماتی حداقل این شانس را به کودک می‌دهد تا در محیطی نسبتاً سالم زنده بماند و رشد کند و تا حدودی آینده وی از لحاظ سپرده شدن به خانواده‌های دارای اهلیت توسط بهزیستی تأمین گردد و بتواند در آینده زندگی در کنار والدین شایسته و جدیدی را تجربه نماید.

۳- هم چنین لازم است مقنن به منظور حمایت از کودکان و رعایت حقوق و تکالیف آن‌ها یک قانونی را به صورت مستقل در رابطه با این رفتار وضع کند، در صورتی که والدین به هر دلیلی فرزندان خود را در محلی رها کرده و این رها کردن موجب آسیب‌های جسمی و روانی به آن کودک گردد. عمل آن‌ها مشمول مجازات و ضمانت اجرای کیفری شدیدتری نسبت به سایر افراد رها کننده گردد. در این رابطه می‌توان بیان داشت که به دلیل فقر یا بزهکاری خانواده کودک احتمال آسیب‌های مذکور در بستر چنین خانواده‌هایی همچنان برای کودک وجود دارد بهتر است از طریق رسانه و امکانات موجود فرهنگ سازی و روشن گری صورت گیرد به نحوی که راه کارهایی جهت کاهش معضلات و آسیب‌های اجتماعی و روانی و... برای کودک برقرار نمایند از جمله این که مکان‌هایی را سازماندهی کنند که در آن جمعی از روان شناسان و متخصصان کودک حضور پیدا کرده و خانواده‌هایی را که به دلایل گوناگون قصد انجام این رفتار را دارند مشاوره و راهنمایی داده و از اقدام آن‌ها تا حدودی جلوگیری نمایند و والدینی که تصمیم به رها کردن فرزند خود دارند را به حضور در چنین مکان‌هایی متمایل سازند.

منابع و مأخذ

- ابن منظور، محمد بن مکرم (1408 ه.ق)، لسان العرب، جلد سوم، چاپ دهم، بیروت - لبنان: نشر دارالحیاء التراث العربی اردبیلی، محمد علی (1398)، حقوق جزای عمومی، جلد یک، چاپ پنجاه و هفتم، تهران: نشر میزان.
- الازهری، محمد بن احمد (1402 ه.ق)، تهذیب اللغة، جلد دوم، چاپ پنجم، بیروت - لبنان: نشر مکتبه الحیاء.
- اسدی، لیلا سادات (1397)، حقوق کیفری خانواده، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
- اصفهان‌ی، حسین بن محمد راغب (1420 ه.ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
- اصفهان‌ی، حسین بن محمد راغب (1412 ه.ق)، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، لبنان-سوریه: نشر دار العلم-الدار الشایه.

آقا بابایی، حسین (1384)، «گفتمان فقهی و جرم انگاری در حوزه جرایم علیه امنیت ملت و دولت»، مجله فقه و حقوق، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، شماره 5.

سابق، سید (1387)، فقه السنه، جلد سوم، چاپ دوم، سندج: نشر مردم سالاری.
صدری، سید محمد، یار ارشدی، محمد، بادینی، حسن، عباسی، ثمین (1393)، «حضانت طفل در فقه و حقوق ایران و مقایسه آن با حقوق انگلیس»، دو فصلنامه علمی - پژوهشی دانش حقوق مدنی، شماره اول.

صفایی، حسین، امامی، اسدالله (1389)، مختصر حقوق خانواده، چاپ بیست و پنجم، تهران: نشر میزان.
صفایی، سید حسین (1350)، دوره مقدماتی حقوق مدنی؛ اشخاص و اموال، تهران: موسسه عالی حسابداری.
عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، (1415 ه. ق)، شرح لمعه، جلد دوم، چاپ هشتم، قم: نشر معارف.
عمید، حسن (1388)، فرهنگ فارسی عمید، جلد یک، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ نما.
کریمی، عباس، صحرانورد، ابودر، شفیع زاده خولنجانی، مصطفی (1393)، «ولی قهری و عزل آن در حقوق ایران و فقه امامیه»، فصل نامه علمی تخصصی پژوهشنامه فقهی، شماره اول.

لنگرودی، محمد جعفر (1377)، ترمینولوژی حقوق، چاپ نهم، تهران: نشر کتابخانه گنج دانش.
مکی عاملی، جمال الدین (شهید اول)، (1380)، لمعه دمشقیه، جلد دوم، چاپ پانزدهم، قم: نشر دارالفکر.
منصور، جهانگیر (1395)، قانون مجازات اسلامی، تهران: نشر دیدار.
مودن زادگان، حسنعلی (1387)، «سیر تحول قوانین کیفری حمایتی کودکان و نوجوانان در حقوق ایران»، مجله حقوقی دادگستری، شماره 62-63.

نجفی، محمد حسن (1370)، جواهرالکلام، جلد سی و یکم، چاپ چهارم، تهران: نشر کتابفروشی اسلامییه.
یزدی، ابوالقاسم بن احمد (1347)، ترجمه شرایع، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: نشر دانشگاه تهران.

Burton, Frances. (2010), Family law, London: publication of palgrave.
Gaffney, Ruth, (2012), Family law, London: publication of oxford.
children and Adoption Act, 2006
www. didebanhashtom.ir (1399/8/12)
fa.wikifeqh.ir (1399/8/15)
hamedamiri.com (1399/9/7)
www. dadyaran.ir (1399/10/9)

References

Ibn Manzūr, Muḥammad b. Mukarram. (1408 AH). *Lisān al-‘Arab* (Vol. 3, 10th ed.). Beirut, Lebanon: Dār Ihya’ al-Turāth al-‘Arabī.
Ardebili, Mohammad-Ali. (2019 / 1398 SH). *General Criminal Law* (Vol. 1, 57th ed.). Tehran: Mīzān Publishing.
al-Azharī, Muḥammad b. Aḥmad. (1402 AH). *Tahdhīb al-Lughah* (Vol. 2, 5th ed.). Beirut, Lebanon: Maktabat al-Ḥayāh.
Asadī, Leila Sādāt. (2018 / 1397 SH). *Criminal Law of the Family* (3rd ed.). Tehran: Mīzān Publishing.
al-Rāghib al-Iṣfahānī, Ḥusayn b. Muḥammad. (1420 AH). *Al-Mufradāt fī Gharīb al-Qur’ān*. Beirut: Dār al-Ma‘rifah.

al-Rāghib al-Iṣfahānī, Ḥusayn b. Muḥammad. (1412 AH). *Mufradāt Alfāz al-Qur'ān* (1st ed.). Lebanon–Syria: Dār al-‘Ilm / al-Dār al-Shāmiyyah.

Āqābābā’ī, Ḥusayn. (2005 / 1384 SH). “Fiqh Discourse and Criminalization in Offenses against National and State Security.” *Fiqh & Law Journal*, No. 5, Research Institute for Islamic Culture & Thought.

Sābiq, Sayyid. (2008 / 1387 SH). *Fiqh al-Sunnah* (Vol. 3, 2nd ed.). Sanandaj: Mardomsālārī Press.
Sadri, Seyyed Mohammad; Arshadī, Mohammad; Bādīnī, Hassan; & Abbāsī, Samen. (2014 / 1393 SH). “Child Custody in Imāmī Jurisprudence and Iranian Law: A Comparison with English Law.” *Civil Law Studies Journal*, No. 1.

Ṣafā’ī, Hossein & Emāmī, Asadollah. (2010 / 1389 SH). *Concise Family Law* (25th ed.). Tehran: Mīzān Publishing.

Ṣafā’ī, Seyyed Hossein. (1971 / 1350 SH). *Introductory Civil Law: Persons and Property*. Tehran: Institute of Higher Accounting.

‘Āmilī, Zayn al-Dīn b. ‘Alī (Shahīd Thānī). (1415 AH). *Sharḥ al-Lum‘ah* (Vol. 2, 8th ed.). Qom: Ma‘ārif Publishing.

Amīd, Ḥasan. (2009 / 1388 SH). *Amid Persian Dictionary* (Vol. 1, 1st ed.). Tehran: Farhang-Namā Publishing.

Karīmī, ‘Abbās; Sahrānawrd, Abūzar; & Shaft‘-Zādah Khūlanjānī, Mostafā. (2014 / 1393 SH). “The Guardian (*Walī Qahrī*) and its Removal in Iranian Law and Imāmī Jurisprudence.” *Fiqh Research Journal*, No. 1.

Lankarūdī, Mohammad-Ja‘far. (1998 / 1377 SH). *Legal Terminology* (9th ed.). Tehran: Ganj-e Dānesh Library.

al-‘Āmilī, Jamāl al-Dīn (Shahīd Awwal). (2001 / 1380 SH). *Al-Lum‘ah al-Dimashqiyyah* (Vol. 2, 15th ed.). Qom: Dār al-Fikr.

Mansour, Jahangir. (2016 / 1395 SH). *Islamic Penal Code*. Tehran: Didār Publishing.

Mūdhanī-Zādegān, Ḥasan-‘Alī. (2008 / 1387 SH). “Evolution of Child and Juvenile Protective Criminal Laws in Iranian Legal System.” *Judicial Law Journal*, Nos. 62–63.

Najafī, Muhammad Hassan (Ṣāhib al-Jawāhir). (1991 / 1370 SH). *Jawāhir al-Kalām* (Vol. 31, 4th ed.). Tehran: Islāmiyyah Bookstore.

Yazdī, Abū al-Qāsim b. Aḥmad. (1968 / 1347 SH). *Translation of Sharā’i‘ al-Islām* (Vol. 2, 2nd ed.). Tehran: University of Tehran Press.

Burton, Frances. (2010). *Family Law*. London: Palgrave Macmillan.

Gaffney, Ruth. (2012). *Family Law*. Oxford: Oxford University Press.

Children and Adoption Act (UK), 2006.

(Access dates preserved as in original)

Dideban Hashtom. (Accessed 12/08/1399 SH). <http://www.didebanhashtom.ir>

WikiFiqh. (Accessed 15/08/1399 SH). <https://fa.wikifeqh.ir>

Hamed Amiri Legal Blog. (Accessed 07/09/1399 SH). <https://hamedamiri.com>

Dadyārān Legal Portal. (Accessed 09/10/1399 SH). <http://www.dadyaran.ir>